



تحلیلی بر عملکرد عناصر سازنده استراتژی‌های توسعه
(ارزیابی نقش وثیقه به مثابه عنصر ریزمقیاس حقوقی در راهبرد توسعه)

محمد گنج خانلو^۱

۲۹

چکیده

در فرایند توسعه در بسیاری مواقع استراتژی‌های اتخاذ شده به نحوی عمل می‌کنند که به نظر می‌رسد اثری در جریان توسعه به جا نمی‌گذارند. کارآمدی استراتژی‌ها در گرو ایفای نقش کامل هر یک از اجزا و عناصر سازنده آنهاست. در این پژوهش تلاش می‌شود از نقش حیاتی یک جزء ظاهراً غیرتعیین کننده در ساختار استراتژی توسعه، تصویری روشن ارائه گردد. پژوهش حاضر با نشان دادن جایگاه مهم یک عنصر حقوقی به مثابه یک مورد مطالعاتی در چارچوب استراتژی اقتصادی توسعه، به نقش تعیین کننده عنصری که فرایند توسعه در فقدان آنها دچار اختلال خواهد شد می‌پردازد. "وثیقه" یکی از ابزارهای بسیار کلیدی در جریان اعطای تسهیلات بانکی به منظور تامین سرمایه به شمار می‌رود. عدم توجه به موضوع وثیقه به عنوان عنصری حقوقی در جریان توسعه اقتصادی که اولی مقوله‌ای بسیار خرد و دومی موضوعی کلان به شمار می‌رود غالباً موجب مشکلاتی خواهد شد. پذیرفتن اینکه مقوله‌ای تا این حد خرد و جزئی می‌تواند موجب اختلالات اساسی در فرایند توسعه گردد بسیار دشوار است. پژوهش حاضر می‌کوشد نشان دهد وثیقه به مثابه عنصری حقوقی آثاری جدی در جریان اقتصاد به جا می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: توسعه، استراتژی اقتصادی، وثیقه، ارزیابی.

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۲۹

تابستان ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۴/۰۷

صص: ۲۸۳-۳۰۲

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



Q4

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

توسعه در کشورهایی که از این امر فاصله دارند فی نفسه به هدفی بنیادین تبدیل شده است. در قرن نوزدهم استراتژی‌های گوناگونی توسط کشورهای این نوع برای تحقق توسعه تجربه شد. تجربه رهیافت‌های گوناگون تا به امروز ادامه یافته است. حاصل تلاشهایی که طی دو قرن در خصوص توسعه صورت گرفته چه در بعد نظری و چه در بعد عملی بسیار متنوع بوده است. در حوزه نظر حتی به لحاظ مفهومی تحولات گسترده روی داده است. از معنای مفهوم توسعه گرفته تا ابعاد، انواع و شاخص‌های آن درگیر بازنگری و تغییر بوده است.

با عنایت به تجربه‌ها و رهیافت‌های گوناگون توسعه و استراتژی‌های متعدد در این زمینه و آثار و نتایجی که در جریان این تجربیات و کاربست این استراتژی‌ها حاصل شده زمینه لازم برای نوعی بازنگری متفاوت از شیوه‌های متداول فراهم به نظر می‌رسد. در همین معنا به منظور بررسی علل ناکارآمدی استراتژی‌های توسعه، بازنگری فرایندهای کاربست این استراتژی‌ها و نحوه عملکرد اجزا و عناصر سازنده این استراتژی‌ها راه‌گشا خواهد بود. استراتژی اقتصادی به مثابه یکی از مهمترین استراتژی‌های فرایند توسعه با توجه به تعبیه اجزاء و عناصر بسیار گوناگون و متکثر در شاکله و ساختار آن از پیچیدگی و درهم‌تنیدگی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. از این رو آسیب‌شناسی و ارزیابی عملکرد هر یک از این اجزاء و عناصر کاری بس دشوار خواهد بود. ضمن اینکه تشخیص به موقع و درست آسیب‌های کارکردی اجزاء و عناصر مذکور نیازمند چشم‌انداز و بینشی گسترده از اقتصاد است. به عبارتی ارتباط اقتصاد و سایر ابعاد توسعه همچون، سیاست، فرهنگ، بهداشت، آموزش و ... در عملکرد عناصر استراتژی اقتصادی غیرقابل چشم‌پوشی است و در تحلیل و ارزیابی استراتژی اقتصادی اتخاذ رویکردی که همه این ابعاد را لحاظ نماید ضروری است.

در فرایند توسعه در بسیاری مواقع استراتژی‌های اتخاذ شده به نحوی عمل می‌کنند که به نظر می‌رسد اثری در جریان توسعه به جا نمی‌گذارند؛ به تعبیری از کارآمدی برخوردار نیستند یا در بیانی تعدیل شده، کارآمدی لازم در آنها ملاحظه نمی‌شود. این مسئله اصولاً یا به ماهیت و درونمایه‌های استراتژی اتخاذ شده مربوط می‌گردد یا به شیوه یا نحوه کاربست استراتژی مورد نظر. زمانی که مسئله معطوف به ماهیت استراتژی اتخاذ شده ارتباط می‌یابد این موضوع قابل بحث و بررسی است که استراتژی اتخاذ شده در ارتباط با عناصر و اجزای سازنده اش از فقدان عنصری موثر رنج می‌برد.

اما وقتی مسئله به شیوه کاربست استراتژی مربوط می شود این موضوع قابل بحث خواهد بود که در فرایند کاربست استراتژی یا فرایند عملیاتی ساختن استراتژی، جزء یا عناصری موثر از ایفای نقش اساسی خود بازمانده‌اند.

شکل‌گیری استراتژی‌های توسعه مبتنی بر بستری که به کار گرفته می شوند صورت می گیرد. این بدان معناست که استلزامات و ضروریات محلی و بومی بخش مهمی از منطق وجودی استراتژی‌های توسعه به شمار می رود. عمدتاً این استراتژی‌ها به منظور اطمینان از تحقق کامل توسعه بدون اشکالات، نواقص، عوارض سوء و نارسایی‌های ناشی از مهندسی اجتماعی تدوین و اتخاذ می شوند. بنابراین استراتژی‌های توسعه با در نظر گرفتن ظرائف و دقایق بومی و محلی متعلق به بستری که فرایند توسعه در آن جریان یافته نقش اطمینان بخشی و نیز انطباق بخشی دارند. اطمینان از تحقق قطعی توسعه پس از طی فرایندهای لازم و متعاقباً انطباق متغیرهای ناشی از توسعه با مقومات آن بستر.

با چنین تصویری از استراتژی‌های توسعه به روشنی می توان دریافت اجزاء و عناصر تشکیل دهنده آنها نیز به هر نحو ممکن با بستر حاضر در ارتباط وجودی و ماهوی هستند. کارآمدی استراتژی‌ها در گرو ایفای نقش دقیق و کامل هر یک از اجزا و عناصر سازنده آنهاست. اجزا و عناصر سازنده یک استراتژی از ماهیت و ابعاد وجودی مختلفی برخوردارند. اقتصاد، حقوق، سیاست، فرهنگ، آموزش، بهداشت و بسیاری ابعاد دیگر عناصر مقوم یک استراتژی هستند ضمن اینکه هر یک از این عناصر به تنهایی از اجزاء خرد و متکثری برخوردارند که نقش آنها در کارآمدی استراتژی‌ها حیاتی است. این درحالی است که به عنوان مثال با عدم توجه به ایفای نقش دقیق و کامل جزیی حقوقی در کلیت یک استراتژی اقتصادی در فرایند توسعه موجبات ناکارآمدی آن استراتژی فراهم می گردد و به دنبال ناکارآمدی استراتژی مورد نظر فرایند توسعه دچار اختلال و نارسایی خواهد شد و نتیجه اینکه توسعه جامع و کامل روی نخواهد داد.

در این پژوهش تلاش می شود از نقش و کارکرد حیاتی یک جزء ظاهراً غیرتعیین کننده در ساختار یک استراتژی توسعه شمایی دقیق ارائه گردد. از این رو پژوهش حاضر با نشان دادن اهمیت و جایگاه یک عنصر حقوقی به مثابه یک مورد مطالعاتی در چارچوب استراتژی اقتصادی توسعه، به نقش تعیین کننده اجزاء و عناصری که فرایند توسعه در فقدان آنها دچار اختلال و نارسایی خواهد شد می پردازد.

یکی از مهمترین عناصر استراتژی اقتصادی در توسعه فراگیر، موضوع پرداخت تسهیلات و شیوه تعیین اعتبارات توسط بانک‌های عامل جهت تامین نقدینگی بخش تولید و خدمات است. تسهیلات عمده ترین موتور محرکه در توسعه اقتصادی است. اما اینکه تسهیلات پرداختی در محل تعیین شده مصرف شود و نیز بازداشت آن به منظور عدم توقف جریان تامین سرمایه محقق گردد نیازمند برنامه و راهکارهای دقیقی است که خود از اجزای استراتژی اقتصادی به شمار می‌روند. پیدایش اختلال در این جریان به راحتی فرایند توسعه را در کلیت خود دچار اشکال می‌سازد. این در حالی است که در بسیاری از مواقع جریان توسعه اقتصادی دچار آسیب شده اما از آنجایی که آسیب در سطحی بسیار خُرد از اجزای توسعه‌ی اقتصادی روی داده، شناسایی آن دشوار می‌نماید.

در همین چارچوب "وثیقه" به عنوان جزیی حقوقی در استراتژی توسعه (به مثابه موردی مطالعاتی) یکی از ابزارهای بسیار کلیدی در جریان اعطای تسهیلات بانکی به منظور تامین سرمایه به شمار می‌رود. عدم توجه به موضوع وثیقه به عنوان عنصری حقوقی در جریان توسعه اقتصادی که اولی مقوله‌ای بسیار خُرد و دومی موضوعی کلان به شمار می‌رود غالباً موجب مسائل جدی می‌شود. پذیرفتن اینکه مقوله‌ای تا این حد خُرد و جزیی می‌تواند موجب اختلالات اساسی در فرایند توسعه گردد بسیار دشوار است. اما پژوهش حاضر می‌کوشد اهمیت این امر را در بستری عملی آشکار سازد و نشان دهد وثیقه به مثابه عنصری حقوقی آثاری جدی در جریان اقتصاد به جا می‌گذارد.

با عنایت به طرح مسئله‌ی بالا این پرسش مطرح می‌شود که در جریان کاربست استراتژی اقتصادی توسعه، عنصری چون وثیقه (به مثابه‌ی جزیی بسیار خُرد در این استراتژی) چگونه می‌تواند موجب آثاری جدی در راستای تحقق توسعه یا اختلال در جریان آن گردد؟
به منظور پاسخی تجربی و پژوهشی، تلاش می‌شود فرضیه زیر مورد آزمون و بررسی قرار گیرد:
نظام حقوقی وثیقه در اشکالی خاص به جای تضمین تحقق قراردادها به نحوی کاملاً معکوس موجب بروز مفاسد اقتصادی می‌شود. در همین راستا مفاسد اقتصادی به بارزترین وجه، اختلال در جریان توسعه اقتصادی را رقم می‌زند و این خود موجب ناکارآمدی استراتژی‌های توسعه اقتصادی و متعاقباً اختلال در فرایند کلی توسعه می‌گردد.

1-micro

2-macro

توسعه و انواع آن

تعاریف مختلفی برای توسعه وجود دارد. طبق تعریف "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" توسعه فرآیندی است که بدون آسیب رساندن به منابع محیطی موجب رشد، پیشرفت، تغییرات مثبت در مؤلفه‌های فیزیکی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و جمعیتی می‌شود. به نوعی توسعه بر خلاف رشد علاوه بر کمیت، کیفیت را هم در نظر می‌گیرد. طبق تعریف این سازمان ابعاد توسعه عبارتند از: بعد اجتماعی (مربوط به توسعه مردم محلی)، اقتصادی (مربوط به امور مالی و ثروت محلی)، زیست‌محیطی (مربوط به کیفیت هوا، آب، خاک و ... در آن محل) و سیاسی (مربوط به نظام‌های سیاسی و آزادی‌های ارائه شده).

در این تعریف توسعه همان توسعه پایدار در نظر گرفته شده است. به بیانی دیگر، امروزه هر جا از توسعه صحبت می‌شود مقصود نظر همان توسعه پایدار و شاخص‌های توسعه اقتصادی پایدار است. زیرا پس از انقلاب صنعتی بشر نگرش خود را به واسطه پیامدهای منفی زیست‌محیطی و اجتماعی ناشی از رشد یک‌جانبه اقتصادی به مفهوم توسعه تغییر داد. امروزه مردم رشد اقتصادی همراه با افزایش بی‌عدالتی و تبعیض جنسیتی، تشدید فاصله طبقاتی و آسیب به محیط زیست را نمی‌پسندند. همچنین می‌توان ابعادی مانند فرهنگی و فردی به توسعه افزود. البته در بسیاری از منابع آنها را ذیل توسعه اجتماعی در نظر می‌گیرند. از آنجایی که دیدگاه دانشمندان علوم اجتماعی در توسعه و نوع نگرش و دیدگاه آنها در مورد توسعه می‌تواند با هم تفاوت داشته باشد لذا گاه تقسیمات متفاوت و متنوعی از توسعه ارائه کرده‌اند. یکی از تقسیمات متداول در خصوص انواع توسعه عبارت است از:

- توسعه درون‌زا ۲- توسعه برون‌زا ۳- توسعه موزون ۴- توسعه ناموزون ۵- توسعه از بالا ۶-
 - توسعه از پایین ۷- توسعه اقتصادی ۸- توسعه اجتماعی ۹- توسعه فرهنگی ۱۰- توسعه سیاسی ۱۱-
- توسعه انسانی

توضیح مختصر در باب هر یک از این انواع به شرح زیر است:

- ۱- توسعه درون‌زا: توسعه درون‌زا دارای الگو با جهت‌گیری داخلی است در این رهیافت از توسعه، کلیه امکانات داخلی با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در چارچوب

شرایط تاریخی در نظر گرفته می‌شود و به سوی گسترش فعالیت درونی جامعه به کار می‌رود. (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، ۱۰)

۲- توسعه برون‌زا: این الگوی توسعه که بیشتر بر مبنای نظریه نوسازی پایه سازی شده است، منشا و جهت‌گیری خارجی دارد و بر اساس آن کشورهای توسعه نیافته از همان الگوی کشورهای توسعه یافته برای توسعه خودشان استفاده می‌کنند (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، ۱۱)

۳- توسعه موزون: هدف اصلی از توسعه‌ی موزون توسعه هماهنگ و یکپارچه در بُعد کمی و کیفی برای بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، ۱۳)

۴- توسعه ناموزون: در این توسعه با توجه به سیاست‌های حکومت و دولت به صورت گزینشی بر یک یا ابعاد خاصی از بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای توسعه تاکید می‌شود (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، ۱۲)

۵- توسعه از بالا: توسعه از بالا در واقع تغییرات ساختاری است که در چهارچوب وضعیت موجود به وسیله‌ی نخبگان اقتصادی، سیاسی، مذهبی و حکومتی اعمال می‌شود (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، ۱۴)

۶- توسعه از پایین: معمولاً تحوّل بنیادی است که ساختارهای اجتماعی را دگرگون می‌کند. معمولاً این توسعه با انقلاب همراه است و توده مردم در آن مشارکت می‌کنند (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، ۱۴)

۷- توسعه اقتصادی: توسعه اقتصادی اغلب به اشتباه با رشد اقتصادی یکی شمرده می‌شود. در حالی که هم شامل رشد کمی اقتصادی است و هم در بطن خود از مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی برخوردار است (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۴، ۴۴). در توسعه‌ی اقتصادی متغیرها از نظر کیفی مدنظر است. لذا توسعه در واقع تغییرات کیفی یک جامعه را بیان می‌کند که تظاهر آن می‌تواند در رشد تبلور یابد. به این ترتیب توسعه‌ی اقتصادی عبارت است از تغییرات کیفی در ساختار اقتصاد یک جامعه و آن دسته از تغییرات بنیادی که بر تولید ناخالص ملی اثر می‌گذارد. به این ترتیب دو لغت رشد و توسعه با توجه به تعاریف بالا از یکدیگر متمایز می‌شوند (خطیب، ۱۳۷۳، ۱۵).

۸- توسعه اجتماعی: توسعه اجتماعی به صورت گسترده‌تر در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد جامعه است. از جمله بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن بهداشت، مسکن، تغذیه، اشتغال و ... (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۴، ۴۷).

۹- توسعه فرهنگی: فرایندی است که طی آن با تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش‌ها، باورها و قابلیت‌ها، رفتار و واکنش خاصی که مناسب توسعه است در افراد جامعه به وجود آید (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۴، ۴۸).

۱۰- توسعه سیاسی: توسعه سیاسی ایجاد شرایط سیاسی و حکومتی لازم برای تحقق کارایی اجرایی و ظرفیت بیشتر در انجام سیاست‌های عمومی است. (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۴، ۴۹)

۱۱- توسعه انسانی: ایجاد محیطی توان‌بخش برای عموم مردم است تا به واسطه آن از حیات طولانی، سالم و خلاق برخوردار شوند (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۴، ۵۱).

استراتژی‌های توسعه

به منظور تحقق هر یک از انواع توسعه، تدوین و کاربست استراتژی‌های گوناگون ضروری است. اساساً منطق وجودی و ماهوی توسعه‌ی مورد نظر و نیز زمینه و بستری که بناست توسعه در آن روی دهد تعیین‌کننده ساختار و شاکله‌ی یک استراتژی است. به طور مثال در توسعه اقتصادی با انواع گوناگونی از استراتژی‌ها مواجه خواهیم بود. این استراتژی‌ها خود از اجزا و عناصر متکثری تشکیل می‌شوند. این اجزاء و عناصر الزاماً از ماهیت اقتصادی برخوردار نیستند. به تعبیری اجزاء و عناصر یک استراتژی اقتصادی ضمن غلبه‌ی سویه‌ی اقتصادی بر ماهیت و عملکرد آنها می‌توانند از هویت غیراقتصادی چون سیاست، حقوق، فرهنگ، آموزش و... نیز برخوردار باشند. بر این اساس ضرورت ملاحظات غیراقتصادی در یک استراتژی اقتصادی، ارزیابی و تحلیل عملکرد آن استراتژی را پیچیده تر و در عین حال دشوارتر می‌سازد. به اقتضای جریان منطقی بحث ضروری است گونه‌های مختلف استراتژی در یکی از انواع توسعه مورد بررسی قرار گیرد. اما به اقتضای مسئله‌ی این پژوهش به انواع استراتژی‌های توسعه اقتصادی اشاره می‌شود.

اولین استراتژی موسوم به استراتژی پولی است. وجه تمایز آن این است که توجه خود را معطوف و متمرکز بر ارتقاء کارایی علائم بازار به عنوان راهنمایی برای بهبود تخصیص منابع می‌سازد. دومین استراتژی مشخص، استراتژی توسعه‌ای است که نگاه به خارج دارد و آن اقتصاد باز نامیده می‌شود. استراتژی سوم، استراتژی صنعتی شدن است. در اینجا، همچون استراتژی قبلی، تأکید بر رشد است

اما ابزار دستیابی به رشد، گسترش سریع بخش صنعت است. چهارم، استراتژی انقلاب سبز نام دارد. کانون توجه در این استراتژی نرخ‌های رشد کل، صادرات یا صنعتی شدن نیستند بلکه معطوف به رشد کشاورزی است. استراتژی‌های توزیع مجدد در توسعه از جایی شروع می‌کنند که استراتژی انقلاب سبز خاتمه می‌یابد، یعنی با هدف بهبود توزیع مجدد درآمد و ثروت. این پنجمین استراتژی در توسعه اقتصادی است. این استراتژی با اولویت دادن به ضوابطی که مستقیماً گروه‌های کم درآمد را منتفع می‌سازد، برای برخورد رو در رو با مسئله فقر طراحی شده است. بالاخره، باید به استراتژی‌های سوسیالیستی توسعه اشاره کرد. این استراتژی‌ها با این خصصت که در آنها مالکیت خصوصی ابزار تولید از اهمیت نسبتاً کمی برخوردارند متمایز می‌شوند (گریفین، ۱۳۷۵، ۵۴).

تحولات اقتصادی در توسعه وثیقه

سطح عملکرد اقتصادی و رونق آن به مثابه یک متغیر وابسته‌ی مطلوب از عوامل گوناگونی تاثیر می‌پذیرد. تضمین قرارداد از جمله عواملی است که ارتباط محکمی با سطح عملکرد اقتصادی دارد. همچنین میزان تضمین قرارداد ارتباط مستقیمی با سطح عملکرد اقتصادی دارد. بر این اساس وثیقه در اقتصاد از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

با درک اهمیت تسهیلات و اعتبار برای رشد و توسعه اقتصادی می‌توان به مکانیسم ارتباط وثیقه و اقتصاد پی برد. همه بنگاه‌ها اعم از تولید کننده، توزیع کننده، عرضه‌کنندگان خدمات و حتی خرده‌فروشان برای فعالیت، توسعه و رقابت در بازار به سرمایه در گردش نیاز دارند (نیلی و علوی: ۱۳۸۲، ص ۳۴۲). از یک منظر توسعه اقتصادی مستلزم جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی جهت تامین مالی طرح‌های اقتصادی است. در اقتصادهایی که تضمین قرارداد مشکل است و به سختی و با هزینه‌هایی زیاد صورت می‌گیرد مبادلات غیر نقدی و اعطای اعتبار نیز به ندرت انجام می‌شود چرا که همواره اعتباردهنده با خطر عدم پرداخت وجه از سوی بدهکار مواجه است.

بر این اساس فقدان نظام قانونی منسجم، شفاف، قابل اطمینان و با نتایج قابل پیش بینی برای معاملات با وثیقه، موجب عدم تمایل نسبت به سرمایه‌گذاری و متعاقباً عدم دسترسی به اعتبار می‌شود تا جایی که در قرن بیستم، تقاضای اعتبار از سوی بنگاه‌های تجاری اغلب به دلیل فقدان یک چارچوب قانونی مناسب که از طریق آن، قرض‌گیرندگان بتوانند حق وثیقه‌ای را به وام‌دهندگان و

دیگر فراهم کنندگان اعتبار اعطا کنند، بی نتیجه می ماند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مستند به گزارش های بین المللی، نظام معاملات با وثیقه با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی و به ویژه نیازهای تجاری پاسخگوی نیازهای کنونی نیست.

با نظر به نکات فوق واضح می نماید مباحث بسیار گسترده ای حول رابطه ی اقتصاد و وثیقه مطرح است. مباحثی با گستره ی نحوه ی تضمین قراردادها تا مفسد اقتصادی که ریشه در نظامات حقوقی دارد. اما همچنان که اقتصاد در سطح خرد و کلان مطالعه می شود عملکرد وثیقه در اقتصاد نیز در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است.

وثیقه و اقتصاد خرد و کلان

اقتصاد خرد، به اثرات اقتصادی بر روی نهادهای اقتصادی فردی (شخصی) نگاه می کند و به مطالعه چگونگی رفتار مصرف کننده، تولیدکننده و همچنین نحوه تصمیم گیری در گروه های کوچک از قبیل خانواده و یا شرکتها می پردازد (Cooter: 2016, 11).

چنانکه گفته شد وثیقه به عنوان زمینه ای برای افزایش تسهیلات و اعتبار و متعاقباً افزایش سرمایه عمل می کند. اما این عملکرد از منظر اقتصاد خرد در پی کارکرد سه گانه ی "کاهش خطر"، "تغییر خطر" و "افشای اطلاعات" در خصوص بدهکار حاصل می شود. "عملکرد کاهش خطر وثیقه" خود آثار مهمی بر اقتصاد از منظر اقتصاد خرد دارد. چنانکه دسترسی به اعتبار را افزایش می دهد، افزایش مدت اعتبار و به عبارتی مدت اعطایی به بدهکار جهت بازپرداخت را افزایش می دهد و سبب برقراری تناسب بیشتر بین دین و سهام می شود، یعنی به نسبت بین اعتبار و سرمایه گذاری اثر می گذارد، چنانکه طلبکار بر اساس آن آماده ی توافق با مدیون است.

متقاضی اعتبار است که مزایای پرداخت یا بازپرداخت را می سنجد، بدین صورت که اگر نقض عهد کند، این وام را دارد اما در آینده دیگر دسترسی به وامی نخواهد داشت. متقاضی اعتبار از اتخاذ رویکردهای پرخطر برای استفاده از اعتبار خودداری می کند و اگر هم چنین نکرد، تمامی خطر بر عهده خود او است و به تأمین کننده ی اعتبار چیزی تحمیل نمی شود، زیرا تأمین کننده می تواند از محل فروش وثیقه، طلب خود را وصول کند.

همچنین در اعتبارهای با وثیقه، میزان وثیقه می‌تواند با اندازه وام تنظیم شود و این موضوع نیز به اداره مطلوب آن کمک می‌کند. از این عملکرد وثیقه به عنوان جلوگیری از "تغییر خطر" نام برده می‌شود. وثیقه باعث می‌شود تلاش‌ها برای اجتناب از قصور افزایش یابد. بنابراین وثیقه موجب ارتقاء عملکرد گذشته می‌شود (حداد و حیدری، ۱۳۹۴، ۳۳۲). برخی مطالعات حاکی از آن است که گروه‌گذاری وثیقه موجب می‌شود که مشتری تلاش بیشتری را برای کاهش احتمال قصور خود انجام دهد (Boot: 1991, 406-458).

وثیقه در عملکرد دیگر خود در سطح اقتصاد خرد یعنی "افشای اطلاعات"، درباره بدهکار اطلاعاتی ارائه می‌کند که تا حدودی موجب تشخیص انگیزه‌ی بدهکار نسبت به بازپرداخت بدهی برای اعتبار دهنده می‌شود. چرا که یک سرمایه‌گذار واقعی، تمایل به دادن وثیقه دارد زیرا اراده‌ی او جهت بازپرداخت بدهی جدی است و به واسطه‌ی اعطای وثیقه، این اطمینان خاطر را به اعتباردهنده نیز می‌دهد. اما کسی که قصد بازپرداخت ندارد، حاضر نیست دارایی خود را به وثیقه بگذارد چرا که عزم جدی برای بازپرداخت آن ندارد. به عبارتی «اشخاص با ریسک بیشتر، تعهد کمتری نسبت به اشخاص با ریسک کمتر در ارائه‌ی وثیقه دارند، زیرا تسهیلات گیرندگان با ریسک، تمایل به ارائه‌ی وثیقه‌ی مطمئن‌تر ندارند، چون مستلزم هزینه‌ی است (قوامی، ۱۳۹۵، ۱۱۴). بنابراین وثیقه اطلاعاتی در مورد متقاضی اعتبار در اختیار تأمین‌کننده‌ی اعتبار قرار می‌دهد، اینکه آیا وی متقاضی واقعی است و قصد بازپرداخت اعتبار دارد یا قصد بازپرداخت ندارد.

در خصوص بررسی رابطه‌ی وثیقه و اقتصاد در سطح اقتصاد کلان ضروری است قبل از هر چیز مقصود از اقتصاد کلان مشخص شود. اقتصاد کلان با مباحث اقتصادی به صورت کلی در ارتباط است و در آن مسائلی چون درآمد و مخارج کل کالاها و خدمات، میزان تورم و بیکاری، رشد اقتصادی، رابطه‌ی مبادله‌ی ارز، سیاست‌های دولت اعم از سیاست‌های پولی و مالی، نرخ بهره و سرمایه‌گذاری، مصرف و پس‌انداز و غیره مطرح است (Cooter: 2016, 11).

چنانکه پیشتر گفته شد وثیقه به لحاظ اهمیت و اثرگذاری در سطح اقتصاد کلان نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. به عنوان یک مورد عینی، "عملکرد کاهش خطر وثیقه" در سطح اقتصاد کلان هم موضوعیت می‌یابد. در این وجه، وثیقه موجب کاهش نرخ بهره برای اعتبارات با وثیقه می‌شود. این امر سبب می‌شود تا اشخاص بیشتری امکان استفاده از اعتبار داشته باشند و هزینه‌های دریافت اعتبار نیز کاهش

یابد. اگر فروشندگان اعتباری، خطر عدم پرداخت از سوی خریدار را کاهش یافته ارزیابی کنند، به تدریج این نوع فروش ها افزایش می یابد و منبع اعتبار در اختیار متقاضیان قرار می گیرد و نهایتاً سبب رونق اقتصادی بیشتر می شود. عملکرد کاهش خطر وثیقه، سبب افزایش میزان اعتبارات موجود در اقتصاد می گردد؛ چرا که اعتباردهندگان با مناسب دیدن شرایط اعطای اعتبار و اطمینان بیشتر از بازگشت سرمایه خود، به اعطای اعتبار ترغیب می شوند. این موضوع سبب دسترسی بیشتر به اعتبار و در نتیجه افزایش سرمایه گذاری و تولید می شود.

وثیقه و مفاسد اقتصادی

وثیقه با "کارکرد ارائه ی اطلاعات" در کنار "کارکرد قابلیت کاهش خطر" می تواند هزینه های معاملات و به طور خاص هزینه های اطلاعات مورد نیاز قراردادهای اعتباری، که بخشی از هزینه معاملات محسوب می شود، کاهش دهد و در نتیجه سبب تخصیص مناسب و اقتصادی منابع گردد (Rover: 2010, 491)

از سوی دیگر در آن دسته از نظام های اقتصادی که "عدم تقارن اطلاعات" در معاملات همواره دیده می شود و به موجب آن راه برای فساد اقتصادی هموار می گردد وثیقه می تواند به مثابه عاملی بازدارنده عمل کند. "عدم تقارن اطلاعات" به وضعیتی اطلاق می شود که یکی از طرفین مبادله کننده کمتر از طرف دیگر در مورد کالا یا وضعیت بازار، اطلاعات داشته باشد. به بیان خیلی ساده چیزی که من می دانم و تو نمی دانی، "عدم تقارن اطلاعات" نامیده می شود. برای مثال یک کارگر بیشتر از کارفرمای خود به اینکه چه میزانی در کار تلاش می کند آگاهی دارد. فروشنده اتومبیل دست دوم بیش از خریدار درباره شرایط اتومبیل می داند و اطلاعات بین پزشک و بیمار، بانک با مشتری، بیمه گذار با بیمه گر نیز چنین است. بنابراین به طور کلی مسئله اطلاعات نامتقارن زمانی اتفاق می افتد که یک عامل اقتصادی در مورد مبادله خود اطلاعات خاصی دارد که طرف دیگر مبادله از آن مطلع نیست. معمولاً طرف مبادله با اطلاعات بیشتر، می خواهد فرد با اطلاعات کمتر را استثمار کند.

اطلاعات نامتقارن منجر به از بین رفتن ویژگی های خوب بازار رقابت کامل و بروز نقض بازار می شود. نظریه اطلاعات نامتقارن برای اولین بار در دهه هفتاد میلادی توسط سه دانشمند به نامهای مایکل اسپنس^۱، جورج آکرلوف^۲، جوزف استیگلیتز^۳ ارائه گردید.

اطلاعات نامتقارن منجر به بروز دو نوع رفتار فرصت طلبانه و ایجاد دو پدیده به نام کژگزینی^۴ و کژمنشی^۵ شده و سبب می شود تا یک فرصت طلب بتواند بر بازارهای مالی و به طور نامطلوب بر فعالیت کل اقتصاد تأثیر گذارد. کژگزینی نوعی رفتار فرصت طلبانه است که در موقعیتی رخ می دهد که در آن یک فرد با اطلاعات بیشتر از مبادله سود برده و مزیت کسب کند یا اساساً در جایی بروز می کند که یک فرد مطلع با یک فرد با اطلاعات کمتر در مورد یک مشخصه خاص غیرقابل مشاهده از وی (فرد مطلع) قرارداد می بندد (شاکری، ۱۳۹۳، ۴۵۷).

کژگزینی که سرچشمه بسیاری از مشکلات می باشد، قبل از انعقاد قرارداد به وجود می آید. برای مثال سهامداران ممکن است از کفایت مدیری که انتصاب می کنند و یا کارفرما از توانایی کارگری که کار را به او واگذار می کند، مطمئن نباشند. نظریه کژگزینی از سوی آکرلوف ارائه شده است. این نظریه که لمونز نامیده شده بیان می کند در صورتی که اطلاعات در میان خریداران و فروشندگان به صورت نامتقارن توزیع شده باشد، محصولات بد، محصولات خوب را از بازار خارج می کنند. آکرلوف اثبات نموده که چگونه با توزیع نامتقارن اطلاعات بین خریدار و فروشنده، بنیاد مبادله بازار فرو می ریزد و دچار مشکل می شود.

کژمنشی نوعی رفتار فرصت طلبانه است که در آن فرد با اطلاعات بیشتر از طریق یک اقدام غیرقابل مشاهده از فرد با اطلاعات کمتر مزیت می گیرد. برخی کژمنشی را به وضعیتی اطلاق کرده اند که یک طرف بازار نمی تواند رفتار طرف دیگر بازار را مشاهده کند و گاهی به رفتارهای نامشهود بازگشت می کند. کژمنشی نام دیگری برای رفتار نامشهود است؛ زیرا در این حالت، فرد یا طرفی که آگاه است، رفتار غلطی را در پیش می گیرد که به ضرر طرف مقابل است.

1 Michael spence
2 George Akerlof
3 Joseph stiglitz
4 adverse selection
5 moral hazard

این پدیده بعد از انعقاد قرارداد به وجود می آید، زیرا برخی از طرفین قرارداد نمی توانند فعالیت هایی را که طرف دیگر انجام می دهد را مشاهده نمایند. برای نمونه کارگر ممکن است تمام توان و تخصص خود را برای اجرای مأموریت کاری خود به کار نگیرد و یا فرد بیمه شده مراقبت های لازم را برای جلوگیری از خطر انجام ندهد.

مبتنی بر آنچه در خصوص عدم تقارن اطلاعات بیان شد می توان دریافت وثیقه با کارکرد ضد کژگزینی و کژمنشی در بازار وام بانکی با توجه به ضعف سایر ابزارهای لازم برای مقابله با مشکل، عدم تقارن اطلاعات را به نحو مطلوبی مدیریت و از انباشت معوقات جلوگیری می کند. اما عدم وجود شفافیت اطلاعات و اطمینان نسبت به حقوق وثیقه موجود در اموال متقول، کارکرد این نوع وثائق را تضعیف نموده و از ظرفیت آنها برای توثیق کاسته است.

با عنایت به مباحث فوق و نظر به پیچیدگی های روزافزون در عرصه اقتصاد که امروزه شاهد آن هستیم فقدان نظام قانونی منسجم، شفاف، قابل اطمینان و با نتایج قابل پیش بینی برای معاملات با وثیقه ارتباطی تنگاتنگ با بخشی از مصادیق مفاسد اقتصادی دارد. به تعبیری نظام معاملات با وثیقه با توجه به ویژگیهای نظام اقتصادی مدرن که تحول و تغییر از خصایل ذاتی و جوهری آن به شمار می رود به شکل پیوسته و مدام با انواعی از مفاسد اقتصادی مرتبط است. چنانکه در مواردی خود زمینه را برای شکل گیری فساد اقتصادی تسهیل می کند.

علیرغم اینکه نظام حقوقی وثیقه می تواند در اشکال خاصی منجر به مکانیسم تسهیل فساد اقتصادی شود در گونه هایی نیز به طور کاملاً معکوس به مثابه ابزاری برای جلوگیری از فساد اقتصادی و همچنین زمینه و بستری برای کنش اقتصادی قانونمند و شفاف عمل می کند. وقتی نظام اقتصادی به نحوی عمل می کند که اقداماتی چون عدم بازپرداخت تسهیلات، نقض قراردادها بدون لحاظ کارآمدی، پیمان شکنی دریافت کنندگان اعتبار و مواردی از این دست به سهولت و وفور رخ می دهد، اصلاح و تغییر نظام حقوقی وثیقه در کنار اصلاح سایر مولفه های حیاتی اقتصاد گزینه ای ضروری برای توانبخشی و بازسازی آن نظام اقتصادی به شمار می رود.

تصویر غالبی که نظام وثیقه با تعبیه ی فرآیندهای دقیق و کارآمد حقوقی ارائه می کند، منع کنش های منجر به فساد در اقتصاد است. به نحوی که در بسیاری از موارد بازتفسیر و اصلاح در ایستارهای حقوقی هم موجب افزایش اعتبارات و تسهیلات و متعاقباً رونق اقتصادی می شود و هم مصادیق فساد

اقتصادی را کاهش می‌دهد. اجرای اصل تعهد مبتنی بر قانون مدنی در ایران موجب می‌شود نظام حقوقی وثیقه ضمن بسط مصادیق جرائم اقتصادی (در صورت عدم اجرای اصل تعهد) نتواند با پذیرفتن گونه‌های دیگری از وثیقه امکانی برای افزایش سطح اعتبارات و تسهیلات فراهم نماید. براساس نظریه نقض کارآمد قرارداد، چنانچه نقض قرارداد و جبران خسارت طرف مقابل از اجرای اصل تعهد کارآمدتر باشد، متعهد می‌تواند تعهد را نقض کرده و خسارت متعهدله را جبران کند. نقض در جایی کارآمد تلقی می‌شود که دو طرف قرارداد از نقض قرارداد سود بیشتری می‌برند. همچنین در صورتی که در اثر پیمان شکنی، حداقل شرایط یکی از طرفین بهتر از قبل شود و به وضعیت دیگری لطمه ای وارد نشود، چنین نقضی نیز از نظر اجتماعی کارآمد است (انصاری، ۱۳۹۰، ۳).

در حقوق ایران، فارغ از مباحث اخلاقی، تقدم انجام عین تعهد بر فسخ قرارداد، یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی به شمار می‌رود و اصل لزوم و حق متعهدله درباره اجرای اجباری اصل تعهد، مانع از نقض کارآمد قرارداد می‌شود و از تخصیص کارآمد منابع پیشگیری می‌کند (محمدی، ۱۳۹۵، ۲۳۲). در همین راستا پذیرش "نظریه نقض کارآمد" با توجه به موازین قانونی، فقهی و اخلاقی در نظام حقوقی ایران با تردیدهای جدی مواجه است (قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۰۶).

محدودیت‌های نظام حقوقی وثیقه در ایران که از عدم تطابق با شرایط اقتصادی نوین حکایت می‌کند و خود زمینه‌ای است برای ترغیب مفاسد اقتصادی به اشکال مختلف روی می‌دهد و به مواردی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت خلاصه نمی‌شود. در همین چارچوب مقررات قانونی مربوط به عقد رهن و محدودیتها و شرایط اختصاصی آن از جمله بطلان رهن دین و منفعت و... نمی‌تواند نیازهای جدید نظام اقتصادی را تأمین کند. مویید این مطلب تصویب مقررات متفرقه در برخی حوزه‌ها از جمله حوزه بانکی است که سعی شده است تا خلاء موجود پوشش داده شود و با وضع مقرراتی، شرایط مقرر در قانون مدنی تعدیل و نیازهای تجارت و فعالیتهای اقتصادی امروزی تأمین شود اما منسجم نبودن و تشریفات گسترده این قوانین، امکان ابطال و یا تزلزل آنها را در پی داشته است و فقدان نظام جامع معاملاتی که این مقررات پراکنده را ... تحت پوشش قرار دهد سبب شده است که هنوز سازوکارهای مناسب اجرایی آن و بالواقع پذیرش واقع آن صورت نگرفته باشد تا جایی که تصویب قوانینی چون عدم الزام به توثیق و تأیید ملکی، از عوامل مؤثر در معوق شدن مطالبات بانکها و نهایتاً تضعیف پشتوانه‌ی آنها نام برده شده است (شعبانی، ۱۳۹۰، ۱۶۵).

مقررات پراکنده در حوزه ی معاملات باوثیقه، عدم توجه به کارکرد معاملات و وجود نهادهای موازی با مقررات متفاوت از جمله مواد قانون ثبت در خصوص معاملات با حق استرداد، عدم پیش بینی شفاف و منسجم قواعد حق تقدم سبب شده است تا طرفین معاملات باوثیقه، به ویژه سرمایه گذاران خارجی امکان پیش بینی و ارزیابی نظام قانونی در خصوص معاملات باوثیقه را نداشته باشند و یا در راستای دسترسی بدان، مجبور به صرف وقت و هزینه های زیاد گردند که این امر سبب بی میلی آنان نسبت به سرمایه گذاری شود و یا در فرض خوشبینانه ی آن، افزایش هزینه های تحصیل اعتبار را در پی داشته باشد. از این رو پراکندگی قوانین یکی از معضلات بزرگ نظام حقوقی ایران تلقی می شود معضلی که دیگر نظام های حقوقی از قبیل آمریکا نیز تا قبل از پذیرش قانون متحدالشکل تجاری که به یکسان سازی قواعد مربوط به چنین قراردادهایی پرداخت، در بیشتر ایالتهای آن وجود داشت (White:1979, 859).

در نظام حقوقی ایران لزوم قبض که در ماده ۷۷۱ قانون مدنی بدان اشاره شده است مانعی در راستای بهره مندی اشخاص از تمامی ارزش دارایی هایشان در روند معاملات اعتباری و استقراض است و امکان انتفاع از آن اموال برای وثیقه گذار منتفی می گردد و این موضوع سبب می شود تا بسیاری از دارایی ها از جمله برخی اموال منقول، مطالبات و اموال غیرمادی متقاضیان اعتبار، قابلیت توثیق نیابند و ارزش اقتصادی نهفته آنان، استفاده نشود.

از دیگر معضلات نظام حقوقی که عدم استقبال از قابلیت توثیقی اموال منقول است که عمده دلیل آن عدم شناسایی اموال قابل توثیق و محدود بودن دایره آن و ابهام در قواعد مربوط به اموال منقول است و به همین دلیل است که گرایش عمده به پذیرش اموال غیرمنقول به عنوان وثیقه در نظام حقوقی شایع شده است و عملاً ارزش توثیقی اموال منقول، مغفول واقع شده است که در باب توضیح داده شد.

با توجه به تحولات اجتماعی و تغییر شرایط تجارت، علاوه بر استفاده از اموال غیرمنقول، استفاده از ارزش کامل محدوده ی وسیعی از اموال منقول اعم از مادی و غیرمادی، موجود و آینده، نظیر موجودی کالا، گردش وجوه، علائم تجاری، اختراع و حجم قابل تغییر اموال یا وثیقه ی شناور به عنوان وثیقه برای اخذ تسهیلات و اعتبار ضروری است تا شرکتها و مؤسسات با بهره مندی از تمامی دارایی های خود، امکان جذب سرمایه بیشتر و نهایتاً تولید بیشتر را دارا شوند. محرومیت از ارزش

این اموال، یک ضرر اقتصادی و به طور غیرمستقیم سبب عدم دسترسی به تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز می‌شود. امروزه در نظام‌های اقتصادی پیشرفته اموال منقول بخش اعظم موضوع قراردادهای توثیقی را شکل می‌دهند برای مثال در آمریکا اموال منقول ۷۰ درصد تأمین منابع مالی در جریان تجارت را تشکیل می‌دهد (Kozolchyk: 2011, 5)

نتیجه اینکه در رتبه بندی مربوط به کسب امتیاز از جهت کارآمدی قوانین وثیقه، ایران رتبه مطلوبی به دست نمی‌آورد. از مهمترین دلایلی که باعث شده ایران از امتیاز پایینی در خصوص مطلوبیت قوانین وثیقه برخوردار گردد می‌توان به نبود انعطاف در وثیقه گذاری اموال منقول در دریافت اعتبار، عدم امکان توثیق دارایی‌های آتی، عدم امکان تسری خودکار قرارداد وثیقه در زمان ایجاد تغییرات در وثیقه و نبود سامانه جامع ثبت وثیقه بر اساس نوع دارایی اشاره کرد (Higson: 1995, 35)

بنابراین بررسی نظام حقوقی و به ویژه قانون مدنی، حاکی از وجود معضلات اساسی در این بخش از قوانین است که عملاً سبب عدم کارایی اقتصادی نهاد معاملات با وثیقه شده است. آگاهی از این موضوع که عدم اصلاح نظام معاملات با وثیقه، چه آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور وارد می‌کند و باعث عدم توجه سرمایه‌گذاران به پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود ضرورت اصلاح نظام حقوقی این معاملات را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

به هر صورت باید اذعان داشت نظام حقوقی وثیقه در ایران با عنایت به همه مشکلات ساختاری اقتصاد، به عنوان ابزاری برای جلوگیری از دامنه قابل ملاحظه‌ای از مفاسد اقتصادی عمل می‌کند. با اینکه مشکلات موجود در آن در برخی موارد مسیر مفاسد اقتصادی را نیز هموار ساخته است.

نتیجه‌گیری

چنانکه تاکید شد در شاکله و ساختار استراتژی‌های توسعه اجزاء و عناصر بسیار گوناگون و متکثری به کار رفته است به نحوی که هر یک از این اجزا و عناصر به تنهایی از ابعاد و زوایای متفاوت و پیچیده‌ای برخوردار است. بنابراین آنچه حاصل می‌شود ترکیب بسیار درهم تنیده‌ای است که ارزیابی هر یک از آنها مجال مستقل و ویژه‌ای می‌طلبد. از این رو در بسیاری از مواقع هنگام تحلیل و بررسی علل ناکارآمدی استراتژی‌های توسعه، عناصری که در این فرایند (فرایند توسعه) در سطح خرد و "ریز مقیاس" عمل می‌کنند خارج از دایره تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند.

بنابراین آنچه عامل بنیادین اخلال در فرایند توسعه است نادیده انگاشته می شود؛ در نتیجه اصلاح به جهت عدم تشخیص درست صورت نخواهد گرفت. در بیش هایی که به عناصر خرد در استراتژی ها توجهی ندارند علی‌الاصول در راستای تبیین ناکارآمدی استراتژی های توسعه، به تحقیق و بررسی در سطوح "کلان مقیاس" می پردازند. اما از آنجایی که ممکن است عامل اصلی در سطح میکرو از استراتژی قرار داشته باشد، نتیجه ای از چنین ارزیابی حاصل نخواهد شد.

از نمونه مطالعاتی پژوهش حاضر و کارکرد آن در حوزه اقتصاد و نقش بنیادینی که در جریان تسهیل حرکت توسعه اقتصادی ایفا می کند می توان دریافت چون وثیقه در سطح اقتصاد خرد موجب افزایش دسترسی به اعتبار و همچنین افزایش مدت اعتبار می شود و متعاقبا بر نسبت بین اعتبار و سرمایه گذاری اثر می گذارد؛ در صورت عدم ایفای چنین نقشی در جریان توسعه اقتصادی مبتنی بر استراتژی اتخاذ شده، نه تنها موجبات تحقق امر مطلوب را فراهم نمی سازد بلکه در جریانی معکوس زمینه را برای مفاسد اقتصادی آماده می کند.

چون وثیقه می تواند در ارتباط با اطلاعات نامتقارن و نتایج منطقی آن در بازار یعنی کژگزینی و کژمنشی نقشی مثبت و اثرگذار ایفا کند منطقا در شرایطی که بنا به هر دلیل کارکرد وثیقه تضعیف شود نه تنها این نقش مثبت و اثرگذار وجود نخواهد داشت بلکه زمینه برای شکل گیری و رشد مفاسد اقتصادی با منشاء وثیقه و مبتنی بر نظام معاملات شکل نیز خواهد گرفت. لذا ضروری است چنانکه پیشتر به آن تاکید شد در مسیر تحلیل و ارزیابی عناصر و اجزاء تشکیل دهنده استراتژی های توسعه به مصادیقی از این دست توجهی خاص نمود ولو ظاهرا از موقعیتی میکروسکوپی در فرایند توسعه و استراتژی توسعه برخوردار باشند.

نهایتا اینکه فرایند توسعه معمولا با موانع و مشکلاتی روبرو می شود که نهایتا مورد شناسایی قرار نمی گیرند و هرگز امکان رفع این موانع در جریان کاربست یک استراتژی مشخص فراهم نمی گردد تا اینکه با نفی کامل و جامع آن استراتژی و کنار گذاشتن آن به قیمت کاربست یک استراتژی دیگر مسیری متفاوت و فضایی تازه در جریان توسعه اتخاذ می گردد؛ بدون اینکه مشکلات پیشین مرتفع شده باشد. بنابراین اتخاذ رویکردی در مقیاس ریز و ارزیابی دقیق اجزاء و عناصر خرد در استراتژی های توسعه این امکان را فراهم می سازد تا به جای لاینحل انگاشتن موانع یک استراتژی و اتخاذ برنامه و استراتژی دیگر مشکلات و موانع استراتژی پیشین را مرتفع ساخت و فرایند پیشین را به

سرانجام رسانید. پژوهش حاضر به عنوان یک دستاورد و نتیجه بر این تاکید دارد که می توان با ارزیابی عناصری به سان مورد مطالعاتی خود علل ناکام ماندن بسیاری از برنامه ها و استراتژی های توسعه را در کشورهایی که سالیان مدید در این راه گام برداشته اند شناسایی نمود.



فهرست منابع

- انصاری، مهدی (۱۳۹۰). نظریه نقض کارآمد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق، حقوق، ۴۱(۱)، ۳۹-۵۷.
- خطیب، محمدعلی (۱۳۷۳). اقتصاد توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- شاکری، عباس (۱۳۹۳). اقتصاد خرد: نظریه‌ها و کاربردها، تهران، نشر نی.
- شعبانی، احمد؛ جلالی، عبدالحسین (۱۳۹۰). دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن، برنامه ریزی و بودجه، ۱۶(۴)، ۱۵۵-۱۸۱.
- غفاری، غلامرضا. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات کیهان، ویراست دوم.
- قاسمی‌حامد، عباس. نواریان، علیرضا (۱۳۹۰). نظریه نقض کارآمد قرارداد مطالعه تطبیقی و انتقادی در حقوق آمریکا، تحقیقات حقوقی، ۱۴(۴)، ۷۵-۱۰۸.
- قوامی، سیدحسین؛ سیدنورانی، سید محمدرضا؛ محمدی، تیمور؛ رنجبر، منصور (۱۳۹۵). بررسی تجربی اثر علامت‌دهی متغیر وثیقه در عقود مشارکتی، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۶(۶۳)، ۹۹-۱۱۸.
- کشاورز، حداد؛ حیدری، غلامرضا (۱۳۹۴). ارزیابی سیاست نوع وثیقه در ارزش اعتباری شرکت‌ها و جیره بندی وام: رویکرد جفت و جورسازی امتیاز، پژوهش‌های پولی-بانکی، ۸(۲۵)، ۳۳۱-۳۵۴.
- گریفین، کیت (۱۳۷۵). راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۱). جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
- محمدی، سام. کدیور، حسام (۱۳۹۵). نقض کارآمد قرارداد در حقوق ایران، حقوق خصوصی، ۱۳(۲)، ۲۷۵-۲۹۵.
- نیلی، فرهاد؛ علوی، سید محمود (۱۳۸۲). نقش نهادهای مالی در توسعه اقتصادی عملکرد و چشم انداز (تجربه ایران)، تهران، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول.
- Boot, A and Thakor A and Udell G (1991). «Secured Lending and Default Risk: Equilibrium Analysis, Policy Implications and Empirical Results». Economic Journal, Vol. 101
- Cooter, Robert and Thomas Ulen (2016). «Law and Economics», Berkeley Law Books. Book 2, 6th edition
- White, James J, Summers, Robert S. (1979). «Hand Book on the Uniform Commercial Code», West Publishing Co
- Higson, Chris (1995). Business Finance, London, Oxford University Press

- Kozolchyk, Boris (2011). «Implementation of the OAS model Law in Latin America: Current Status», Arizona Journal of International & Comparative Law, Vol. 28, No. 1
- Röver, Jan-Hendrik(2010). The EBRD's Model Law on Secured Transactions and its Implications for an UNCITRAL Model Law on Secured Transactions, Uniform Law Review, Vol. 15, No. 2.

